

جغرافیای نوروز؛ از سیحون و جیحون تا دجله و فرات

# به شادمانی عید به بزرگی ایران

● ترانه بنی یعقوب

«جغرافیای نوروز» روح «ایران فرهنگی» است، اگرچه ایران فرهنگی مفهومی بزرگتر از جغرافیای نوروز است اما نوروز یکی از اصلی‌ترین نمادهای همبستگی ملت‌ها و اقوامی است که درون جغرافیای ایران فرهنگی زندگی می‌کنند؛ با تاریخی مشترک، آداب و رسومی مشترک و گاه زبانی مشترک. این جغرافیای بزرگ از آسیای صغیر تا فرارودان و از کاشغر چین تا بین‌النهرین گسترده است. دکتر یعقوب پشنا، استاد دانشگاه البیرونی افغانستان درباره ایران فرهنگی و جغرافیای نوروز می‌گوید: «من بارها گفته‌ام و نوشته‌ام که ما فارسی‌زبان‌ها اشتراک فرهنگی نداریم، بلکه فرهنگی واحد و یگانه داریم. از اشتراک فرهنگی با کشورهای می‌توان سخن گفت که زبان و ادبیات متفاوتی دارند، مثلاً بین فرهنگ و ادبیات ایران

چهارشنبه سوری و نوروز را به همین نام می‌شناسند و سیزده را مثل بقیه ساکنان جغرافیای ایران فرهنگی به در می‌کنند. در کردستان ترکیه، نوروز را با نام‌هایی مثل «نوروز ملت آری» یا آریایی و «نوروز کاوا» یا نوروز کاوه می‌شناسند و از آنجایی که خود را فرزند کاوه آهنگر می‌دانند، به اینکه فردوسی بزرگ در شاهنامه از او یاد کرده افتخار می‌کنند. نوروز در کردستان عراق هم بی‌کم و کاست همان چیزی است که در شیراز و تبریز و تهران؛ ظرفیتی بزرگ برای پیوند باشندگان ایران فرهنگی از جنس شادی و صلح و دوستی. بگذارید از افغانستان و تاجیکستان بیشتر بگوییم و همین طور شهرهای تاریخی سمرقند و بخارا در ازبکستان امروزی.

از آیین‌های نوروزی در افغانستان می‌توان به شست‌وشوی فرش‌ها و زدودن گرد و غبار از خانه‌ها همچنین زدن سبزه بر سردر خانه‌ها و حنا گذاشتن بر دست‌ها و پختن کیک و

را تمیز می‌کنند و قبل از شروع عید نوروز خانم خانه وقتی که خورشید به اندازه یک سر نیزه بالا آمد دو جارو را که سرخ رنگ است و در فصل پاییز از کوه جمع‌آوری کرده و تا جشن نوروز نگاه داشته‌اند در جلوی خانه می‌گذارند. رنگ سرخ برای مردم تاجیکستان رمز نیکی و پیروزی و برکت است. پس از طلوع کامل خورشید هر خانواده تلاش می‌کند هرچه زودتر وسایل خانه را بیرون بیاورد و یک پارچه قرمز بالای سردر ورودی بیاویزد که این همان رمز نیکی و خوشی ایام سال است. بعد وسایل خانه را مرتب می‌کنند و با باز کردن در و پنجره، هوای بهاری که معتقدند حامل برکت و شادی است وارد خانه می‌شود.

نوروز، قدیمی‌ترین و بزرگترین آیین ملی ما و بزرگترین جشن باشندگان ایران فرهنگی است و همین‌طور یکی از مهمترین حلقه‌های پیوستگی فرهنگی اقوام ایرانی است. این جشن برای همه ایرانی‌ها مشترک است و به‌عنوان یکی



از باسابقه‌ترین و والاترین نشانه‌های فرهنگی ایران و سنتی خوشایند است که نقش مهمی در انسجام فرهنگی ما بازی می‌کند.

پشنا درباره پیوند فارسی‌زبانان می‌گوید: «باید بگوییم ما فارسی‌زبانان نوروز و جشن نوروز واحد و یگانه‌ای داریم و نوروزمان در یک زمان برگزار می‌شود. پیش از نوروز چهارشنبه سوری هم مشترک است و همین‌طور سفره هفت سین. ما در افغانستان سمنک تهیه می‌کنیم که همان سمنوی ایرانی است و به‌کوه و طبیعت می‌رویم و سیزده رابه در می‌کنیم. همه این رواج‌های نوروزی بین ما فارسی‌زبانان واحد است. وقتی زبان و ادبیات ما زبانی به نام فارسی و ادبیات فارسی است، نمی‌توان از اشتراکات زبانی، ادبی و فرهنگی سخن گفت. همان‌طور که گفتم این اشتراک نیست دقیقاً یک چیز است. بنابراین ما فارسی‌زبانان نوروز و جشن نوروز واحد و یگانه‌ای

کلوچه خرمایی و نان‌های روغنی و پختن سمنو و پوشیدن لباس نو و رفتن نزد خویشاوندان اشاره کرد. همان‌طور که ما مردم ایران سال‌نوراً معمولاً کنار عزیزانمان جشن می‌گیریم آنها هم عید را کنار عزیزان‌شان می‌گذرانند. مردم افغانستان این روز را همچنین بر سر مزارها می‌روند و اغلب در آغاز سال آرزوهای‌شان را در جایی که برایشان ارزش معنوی داشته است، تحکیم می‌بخشند و برای ایجاد تحول در خود تعهد می‌کنند. این تحول از همان زمان و در همان مکانی آغاز می‌شود که ریشه در تاریخ، فرهنگ و اعتقاد‌شان دارد. اگر چنین مکان مقدسی هم وجود نداشته باشد برایش نمادی می‌سازند تا این نقش را بازی کند. نوروز برای مردم تاجیکستان رمز دوستی است و به نام جشن بزرگ معروف است. مردم تاجیکستان و مردم سمرقند و بخارای ازبکستان هم در ایام نوروز خانه‌هایشان

داریم که در یک زمان برگزار می‌شود. ما نمی‌توانیم بگوییم زبان فارسی بین ما مشترک است. می‌توانیم بگوییم زبان فارسی بین ما مشترک است. مولانا بین ما مشترک است. شاهنامه و فردوسی بین ما مشترک است و... اینها همه متعلق به ما است و بیانگر اشتراکات ما

نه، بیانگر وحدت ماست. از اشتراکات زبانی بین زبان عربی و فارسی می‌توان سخن گفت که واژه‌هایی از عربی در فارسی وجود دارد و واژه‌هایی از فارسی در عربی. بنابراین پرسش ما باید این باشد که وحدت زبانی، فرهنگی و ادبی بین فارسی‌زبانان را چگونه می‌توان تقویت کرد و این وحدت را چگونه می‌توان حفظ کرد؟ زیرا سال‌ها است کشورهای که سیاست‌های استعمارگر دارند، می‌خواهند این وحدت را از بین ببرند، مثلاً بی‌بی‌سی و صدای امریکا هزینه می‌کنند برای زبان فارسی به سه نام برنامه می‌سازند: فارسی، دری و تاجیکی. این کار به معنای سیاستی جداساز و تفرقه‌افکن است. باید از این تفرقه و جداسازی و وحدت زبانی، ادبی و فرهنگی خود سخن بگوییم و اینکه چگونه می‌توان با این سیاست تفرقه مبارزه کرد.»

او تأکید می‌کند: «در افغانستان با ایران رسوم مشترک و فرهنگ مشترک نه، بلکه رسوم واحد و فرهنگ واحد وجود دارد. زبان معیار و عمومی و مردمی هر دو کشور فارسی است. ادبیات هر دو کشور ادبیات فارسی است. مشاهیر و شخصیت‌های فرهنگی و ادبی ما از رودکی تا ابن سینا، مولانا، فردوسی، خیام و... واحد و یگانه است. در گذشته افغانستان، تاجیکستان و ایران یک کشور بوده‌اند که همان ایران بزرگ است. چند صد سال می‌شود بخشی از خراسان به نام افغانستان نامگذاری شده و از ایران بزرگ جدا شده است، درحالی‌که خراسان همواره بخشی از ایران بوده است. تا دوره نادرشاه افشار و حتی بعد از آن افغانستان، تاجیکستان و... با ایران کنونی یکی بوده است. ما را جدا کرده‌اند. اکنون تلاش دارند زبان، ادبیات و فرهنگ ما را نیز جدا کنند و از

بین ببرند.» اما این همه یگانگی چرامنتوانسته‌ایم جشن نوروز را آنچنان که لازم است جهانی کنیم؟ یعقوب پشنا در پاسخ به این سؤال هم می‌گوید این مسأله به کم‌علاقگی فرهنگی و چگونگی رویکرد سیاست فرهنگی حکومت‌های ما به نوروز و جشن نوروز ارتباط دارد. زیرا حکومت‌های حوزه نوروز یا ایران فرهنگی به نوروز کم توجهی می‌کنند یا اصلاً توجهی نمی‌کنند. بنابراین بهتر است رویکرد سیاست فرهنگی حکومت‌های ما در قبال جشن نوروز تغییر کند و حکومت‌های ما به جشن نوروز به عنوان جشن تاریخی، مردمی و بومی سرزمین‌های حوزه‌های نوروز و ایران فرهنگی اهمیت دهند. نوروز از مهمترین عوامل پیوستگی جغرافیای فرهنگی است و پیام جهانی آن صلح و دوستی و شادی است. سبزی بهار و شکوفه باران درختان فقط زیبایی ظاهری ندارد.